

بررسی فقهی مواد مخدر

علیرضا حمیسی*

چکیده:

مقاله حاضر با هدف بررسی منابع فقهی، سعی دارد تا دیدگاه های فقهی در خصوص مواد مخدر را تبیین نماید. در بخش اول مقاله، آیاتی که به نحوی با مسأله مواد مخدر در ارتباط هستند مورد توجه قرار گرفته اند، که از جمله آنها می توان به آیات تهلکه، منع قتل نفس و منع اسراف اشاره کرد.

اما در بخش دوم، روایاتی در خصوص اکل مواد خوراکی و نفی و حرمت ضرر رساندن به خود و دیگران، آمده است که روایت «لا ضرر و تحف العقول» از آن دسته اند.

در بخش دیگر از مقاله، دلایل عقلی فقهای عظام در حرمت عقلی اضرار به نفس و ضرورت عقلی دفع خطر احتمالی برای انسان مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش چهارم با توجه به حقیقت گستردگی بی حد و حصر فقه اسلام و کثرت کتب فقهی و عدم امکان بررسی همه آنها، سعی می شود تا با اشاره به برخی از نظریات فقهای عالی قدر در متون عربی و فارسی، احکام مربوطه مورد بررسی قرار گیرند.

واژگان کلیدی:

مسکرات: (Alcoholic drinks) اضرار: (Harmful things)، قاچاق: (contraband)، فقه امامیه: (Emamieh Religious Commandment's)، مواد مخدر: (Drugs).

* کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و عضو بنیاد نخبگان نیروهای مسلح.

مقدمه:

در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، تنوع مواد مخدری که در حال حاضر در جوامع بشری استعمال می شود، وجود نداشته و لذا توقع هم نمی رود که از آنها به طور خاص و به شکل گسترده ای سخن گفته شده باشد اما با وجود این در کلام علمای اسلام به واژه هایی مانند بنگ (ستاد مبارزه با مواد مخدر، بی تا، ص ۳۷)، افیون (محقق حلی، ۱۳۷۳ ه.ق، ص ۲۲۴) و حشیش (علامه حلی، ۱۳۸۹ ه.ق، ج ۲، ص ۱۵۹) بر می خوریم که در خصوص حرمت آنها نیز بالطبع سخن آمده است.

آنچه مسلم است اینکه جامعه از اجتماع افرادی تشکیل شده که هر فرد آن از مسئولیتی برخوردار است که اگر در انجام آن دچار لغزش شود بعد از مدتی، شکوفایی و پویایی خود را در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... از دست داده و به صورت یک پیکره استثمار شده مورد سوء استفاده بیگانگان قرار می گیرد.

قرآن در آیات خود نیز، به آفتهایی اشاره نموده که باعث می شوند جامعه رو به انحلال رود. بر همین اساس، آن چه در پی می آید آیات و روایات نورانی و همچنین کلام گهربار فقهای است که با گذشتن چندین قرن همچنان در جامعه اسلامی پرتو افشانی می کنند و چراغ راه انسانهایی هستند که از این منابع فیض الهی، بهره می برند و هر چند پدیده های اجتماعی، نوین می باشند ولی باز می توان به آنها تمسک جست تا حکم موضوع را استخراج کرد.

از این رو در این مقاله سعی بر آن است تا به بررسی اجمالی مواد مخدر از منظر منابع فقه اسلام یعنی قرآن کریم، روایات، ادله عقلی و کلام فقها پرداخته شود.

بخش اول: از دیدگاه آیات قرآن:

آیاتی که ذکر می شود در راستای تبیین دیدگاه قرآن کریم می باشد که با توجه به تمسک به عمومات آیات می توان حکم مواد مخدر را مورد استنباط قرار داد.

آیه اول: آیه تهلکه: «وَأَفْقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۵).

«در راه خدا انفاق کنید و خویشان را به دست خود به تباهی و هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد».

آنچه از آیه مورد نظر قابل توجه است جمله «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» می باشد. صاحب تفسیر نور، خودکشی و ضرر به نفس را حرام قطعی دانسته اما معتقد است شهادت طلبی در مواردی که اسلام در خطر باشد مصداق افتادن در مهلکه نیست (قرائتی، ۱۳۷۶، ص ۳۶۹).



در تفسیر نمونه در خصوص این آیه چنین آمده است: «این آیه هر چند در مورد ترک انفاق برای جهاد اسلامی وارد شده ولی مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که موارد زیاد دیگری را نیز شامل می‌شود از جمله اینکه انسان حق ندارد از جاده های خطرناک، بدون پیش بینی های لازم بگذرد یا غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند» (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۶).

صاحب مجمع البیان (ره) درباره این قسمت از آیه چنین می‌فرماید: «برای انسان جایز نیست دست به کارهایی بزند که احتمال خوف و ضرر جانی دارد. در موارد امر به معروف و نهی از منکر در صورت مواجه شدن با خطر احتمالی ترک آن جایز است». (تفسیر مجمع البیان: ج ۲، ص ۳۲۹). در تفسیر عاملی در خصوص «لا تلقوا» نیز آمده است. «این قسمت از آیه، یک اصل لازم الرعایه حیات را یادآوری می‌کند بدین مضمون که از اقدام به نابودی خود احتراز کنید» (تفسیر عاملی: ج ۱، ص ۳۲۵).

در تفسیر شریف المیزان نیز آمده است که تعبیر فوق کنایه از آن است که مسلمان نباید نیرو و استطاعت خود را هدر دهد چون کلمه دست به معنی قدرت و قوت است و هلاکت به معنای آن مسیری است که انسان نمی‌تواند بفهمد که به کجا منتهی می‌شود. آیه شریفه مطلق است و در نتیجه نهی در آن از تمامی رفتارهای افراطی و تفریطی است (تفسیر المیزان: ج ۲، ص ۶۴). ملاعلی گنابادی در ذیل این قسمت از آیه در کتاب گران سنگ خود این گونه می‌نویسد: «لا تلقوا...» یعنی حرام است بر شما که به دست خود، خود را به هلاکت اندازید و خود را در کارهایی گرفتار کنید که مورد هلاکت و جای خطر و محل ضرر عظیم باشد (گنابادی، ص ۲۳۰).

در آیه دیگر آمده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنِ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء، ۲۹).

«ای کسانی که ایمان آورید دارایی هایتان را در میان خودتان به ناروا نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت یکدیگر باشد و خودتان را نکشید چرا که خدا همواره نسبت به شما مهربان است».

آنچه از این آیه به موضوع بحث مربوط است قسمت «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» می‌باشد. ظاهر آیه، مؤمنان را از خودکشی بازداشته است و البته احتمالات دیگری را که مفسرین ارائه نموده اند مد نظر قرار می‌دهد که بالطبع بیان می‌شود.

تفسیر نمونه در خصوص آیه مورد اشاره چنین بحث می‌کند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» نهی از خودکشی و انتحار می‌باشد یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی‌شود دیگری شما را به قتل برساند بلکه به خود شما هم اجازه نمی‌دهد که با رضایت خود، خویشتان را به دست نابودی بسپارید. این آیه مردم را از قتل نفس به هر صورت باز می‌دارد (تفسیر نمونه: ج ۳، ص ۳۵۶).

صاحب تفسیر گران سنگ مجمع البیان (ره) نیز درباره این آیه به شرح ذیل برداشت تفسیری

می نماید: « ۱- به باور گروهی منظور این است که یکدیگر را نکشید چرا که همه شما پیرو یک دین هستید و جانهای همه شما بسان یک جان می باشد . ۲- آیه شریفه از انتحار و خودکشی هشدار می دهد و انسان را از خودکشی در حال غضب و ناراحتی منع کرده است (تفسیر مجمع البیان : ج ۳ ، ص ۵۱) .

مفسر بزرگ عالم شیعه علامه طباطبایی (ره) در تفسیر بزرگ خود المیزان می فرماید: « ظاهر جمله، نهی از قتل انسان است ولی همراهی آن با " لا تأکلوا اموالکم بینکم " که ظاهرش آن است که همه مؤمنین را یک شخص فرض می کند مبین این مطلب است که اگر خود یا هر کس دیگری را بکشد خودکشی کرده است و با این تعبیر جمله (لا تقتلوا انفسکم) مطلق بوده و شامل خودکشی هم می شود» (المیزان ، ج ۴ ، ص ۴۷۸) .

از آنجا که مصرف سوء مواد مخدر آثار مخرب فراوانی برای جسم و روح انسانها دارد و با عنایت به آمار قتلها ، خودکشی ها ، سوانح و تصادفات ، درگیریها ، نابسامانی های خانوادگی ، ناهنجاریهای اخلاقی و اجتماعی و فسادها و تباهی هایی که همه و همه ریشه در مصرف مواد مخدر دارند ؛ شاید بتوان با استناده بدین بخش از آیه مذکور ، حکم خودکشی را به این مسأله نیز تسری داد . آیه سوم : « وَاِذَا اَرَدْنَا اَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيَّهَا الْقَوْلُ فَمَدَرْنَا تَدْمِيرًا » (اسراء ، ۱۶) .

« ما چون بخواهیم اهل دیاری را هلاک سازیم پیشوایان و رهبران آن شهر را امر می کنیم تا راه فسق و تبهکاری و ظلم را در آن دیار در پیش گیرند و آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت . آنگاه همه را هلاک می سازیم» .

در تفسیر نمونه در این خصوص آمده است که : « سرچشمه غالب مفسد اجتماعی، ثروتمندان از خدا بی خبر هستند که در ناز و نعمت و عیش و هوس غرق هستند اگر برای حل مشکلات و ناهنجاری ها ، در هر زمینه ای چه در سطح کوچک خانواده و چه در سطح بزرگتر جامعه تلاش نکنیم (امر به معروف و نهی از منکر) و در پی از بین بردن و ریشه کن کردن آن برنیاییم ، باید تاوان بزرگی را پس بدهیم . چرا که به علت همه گیر بودن این آفتهای اجتماعی ، همانند علف هرز در هر آب و هوا و زمینی رشد کرده و باعث از بین رفتن شرف ، حیثیت و آبرو ... در سطح خانواده و یا باعث افزایش سرقت ، فحشا ، رشوه خواری ، بیکاری و... در سطح جامعه می شود که این خود یک بلای عمومی است که زمینه عذاب الهی را فراهم می کند که در صورت نازل شدن همه را در بر می گیرد » (تفسیر نمونه : ج ۲ ، ص ۶۲۵) .

در تفسیر جامع در خصوص این آیه آمده است : « چون خواهیم هلاک سازیم مردم قریه و اهل دیاری را ، مردم آن دیار را به خودشان وا می گذاریم ، تا هر گونه فسق و تبهکاری و ستم خواهند بکنند ، آن وقت که مستوجب شدند ، به سختی مجازات شده و به هلاکت می رسند » (تفسیر

جامع : ج ۴، ص ۱۰۹).

در تفسیر راهنما نیز در خصوص این آیه می خوانیم : « در این آیه، قرآن ارتباط میان اسراف در هر کاری و هلاکت شهر را (که به طریق اولی منظور مردمان شهر است) نشان می دهد و همچنین اشاره به این حقیقت مهم تاریخی دارد که خداوند معمولاً رسولان خود را به شهرها و مردمانی روانه می سازد که فساد در آنها انتشار پیدا کرده است و می خواهد که آنها را از گمراهی باز گرداند تا در مسیر فنا و نابودی تا آخرین مرحله پیش نروند که معمولاً چنین نمی شود آنان توجه نکرده و مستحق عذاب می شوند » (تفسیر راهنما : ج ۶، ص ۲۱۱).

در تفسیر احسن الحدیث در خصوص این آیه آمده است : « آیه در مقام بیان مهیا شدن اسباب عذاب است . به این نحو که چون خداوند بخواهد شهری را هلاک کند به مردمان بی بند و بار، نعمت و قدرت فراوان می دهد ، آنها به واسطه این قدرت و نعمت از عدل و انصاف خارج شده در این صورت وعده عذاب بر آنها حتمی می شود . همچنین احتمالاً آیه اشاره به این نکته دارد که قدرت و نعمت بدون کنترل همچون ثروت بدون حساب باعث غرور و تکبر و هلاکت انسان می گردد » (تفسیر احسن الحدیث : ج ۶، ص ۴۸).

در تفسیر آسان در خصوص آیه مذکور چنین برداشت شده است : « نهلک قریه مفهومش این است که عذاب و دمار این گونه افراد به قدری شدید است که علاوه بر عذاب و نابودی خودشان حتی شهرشان هم دچار خرابی و نابودی خواهد شد به طوری که از تمدن آنها چیزی باقی نخواهد ماند ، همچنین بیانگر این است که عذاب خداوند، عمومی است و همه اقشار جامعه را در بر می گیرد . لذا افرادی که در جامعه انزوا طلبی را برگزیده اند و خود را در فساد و تباهی ثروت اندوزان شریک نمی بینند و تنها با آسودگی خاطر به زندگی فردی و خانوادگی خویش مشغول هستند در صورت نازل شدن عذاب الهی در امان نخواهند بود » (تفسیر آسان : ج ۹، ص ۳۹۲).

آنچه در این آیه شریفه می تواند مستند بحث واقع شود ، بخشهای «نهلک قریه»، «مترفیها» و «فسقوا فیها» می باشد . با این بیان که مترفین شامل ثروتمندانی باشد که به تجارت کثیف مواد مخدر مشغول هستند و برای سود جویی بیشتر به گسترش و ترویج استفاده از مواد مخدر در جامعه دامن می زنند . همچنین با عنایت به اینکه استفاده از مواد مخدر و ورود در گروه های مافیایی قاچاق مواد مخدر منجر به انواع فسادها شده و از مصادیق بارز فسق در جامعه امروزی می باشد . بنابراین شاید بتوان گفت که آیه مذکور می تواند مستند حکم حرمت خرید و فروش و استفاده از مواد مخدر باشد .

آیه چهارم : « اِنَّ الْمُبَدِّرِیْنَ کَانُوا اِخْوَانَ الشَّیْطَانِ لِرَبِّهِ کَفُورًا » (اسراء ، ۲۷).
« به درستی که مبدّران و مُسرفان، برادر شیطانها هستند و شیطان است که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرد ».



نقطه مورد اتکاء در این آیه همانا کلمه «مبذّرین» می باشد. در تفسیر المیزان در خصوص این آیه آمده است:

«تبذیر به معنای متفرق کردن با اسراف است و اصلاً از بذر افشانی گرفته شده و فرقی که با آن دارد این است که: افشاندن به منظور استفاده است و اسراف به منظور افساد است و به همین جهت هر جا هدف اصلاح باشد، تبذیر گفته نمی شود هر چند که زیاد باشد» (تفسیر المیزان، ج ۲۵، ص ۱۴۳).

در تفسیر نور در این خصوص می خوانیم که: «تبذیر گرچه بیشتر در مسائل مالی است ولی در مورد قسمتهای دیگر نیز وجود دارد مانند هدر دادن عمر و جوانی، به کار گرفتن فکر، چشم، گوش و زبان در راه ناصحیح، سپردن مسئولیتها به افراد ناصالح. پذیرفتن مسئولیت بدون داشتن لیاقت و آموختن مطالب غیر ضروری و غیر مفید می باشد» (تفسیر نور، ج ۲، ص ۴۶).

تفسیر نمونه در این باره می گوید: «تبذیر در اصل از ماده "بذر" به معنای پاشیدن دانه می آید منتها این کلمه مخصوص مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی و فساد گونه مصرف می کند به تعبیر دیگر، تبذیر آن است که در غیر موردش مصرف شود هر چند کم باشد و اگر در موردش مصرف شود تبذیر نیست هر چند زیاد باشد. در آیه تعبیر به "اخوان" به خاطر این است که اعمالشان همدریف و هماهنگ اعمال شیطان است. شیطان، کفران نعمت خدا کرد نیروی خودش را در غیر موردش یعنی در طریق اغوا و گمراهی مردم صرف کرد» (تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۳۰).

صاحب تفسیر مجمع البیان می گوید: "تبذیر" ریخت و پاش نمودن و پراکنده ساختن ثروت، بسان افشاندن بذر است در راه نادرست و ظالمانه. اما اگر در راه درست و عادلانه هزینه شود، تبذیر گفته نمی شود. در این آیه کسانی که امکانات و استعدادها و نیروهای خود را در غیر راه خدا به کار گیرند و از آنها در جهت رسیدن به خدا استفاده نکرده باشد و در راستای رشد، تعالی و شکوفایی استعدادهای الهی گام مثبت و ارزشمند برنداشته، بلکه در راه عیاشی و خوشگذرانی و کیف آنی خودش استفاده کرده باشد، مورد نهی است» (تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۱۳).

پر واضح است که استفاده از مواد مخدر و الکلی و انواع مواد افیونی و اعتیاد آور، غالباً وسایل عیاشی و موجب تباهی جسم و جان انسانها بوده و از مصادیق مورد نهی در آیه شریفه خواهند بود.

بخش دوم از دیدگاه روایات:

در این قسمت، روایات مرتبط به بحث را نقل خواهیم کرد.

اولین روایت مورد بررسی، روایت لاضرر است: عن النبی (ص): «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام». این روایت جزء سرآمدان روایات کتب شیعه می باشد که از قدیم مورد توجه فقها و عالمان اسلامی بوده و هست. همان طور که پیش از این نیز بیان شد در زمان حضرت رسول اکرم (ص)



چیزی به نام مواد مخدر رایج نبوده که بالطبع حکم صریحی نیز در قرآن و روایات درباره آن داشته باشیم و در مقام استناد و استدلال به آن اشاره شود لیکن یکسری عمومات در قرآن و روایات داریم که می شود در مقام استدلال به آنها استناد کرد و حکم مقتضی را دریافت زیرا فقه همچون دریای موجی است که مجتهدان می توانند دُرّ های ناب را از آن استخراج کنند. لذا در اینجا بر آن هستیم که بتوانیم با نظر افکندن به قاعده لاضرر، ضرر به نفس، فرد و اجتماع را مورد توجه قرار دهیم. پس ابتدا ضرر را به شرح ذیل به دو دسته تقسیم می کنیم:

۱- ضرر فردی ۲- ضرر اجتماعی.

با توجه به اینکه هر دو ضرر در خصوص مواد مخدر، در جامعه قابل تصور است پس لازم است که به شرح هر دوی آنها پرداخته شود: "ضرر فردی"، آن است که شخص با انجام دادن کاری به جسم، جان و روح خود ضرر وارد کند. [اما] "ضرر اجتماعی" آن است که نتیجه عمل شخص، به جامعه لطمه وارد کند. در ضرر اجتماعی، احتمال دارد که شخص با یک عمل، هم به خودش ضرر فردی بزند و هم به جامعه و اجتماع. فرد معتاد با استفاده کردن از مواد مخدر به خودش ضرر جسمی، روحی و اقتصادی می رساند. از نظر جسمی، ضعیف و نزار می شود، همین فرد در عین اینکه به خودش ضرر جسمی می رساند به موازات همان، ضرر مادی، فکری و اقتصادی به غیر خود که همانا خانواده اش است، می رساند «قواعد الفقهیه، ج ۳، صص ۱۲۸-۱۲۷».

«ضررهای اجتماعی بر مواد مخدر با حمل از نقطه ای به نقطه دیگر، توزیع آن در بین جوانان و کشاندن آنها به ورطه سقوط، تشکیل باندهای مسلح برای حمل مواد (که خود مستلزم مقاومت از طرف دولت) و مشغول کردن قوای انتظامی دولت برای مقابله با این باند ها، خارج کردن پولهای کثیف و حاصله از مواد مخدر از گردونه اقتصاد حکومت اسلامی و... در ارتباط است و ضررهای جبران ناپذیر را بر پیکره جامعه اسلامی وارد می کند و نهایتاً بر اثر ورود مواد مخدر در لایه های جامعه، آن را از درون تهی نموده و سبب سقوط و زوال آن جامعه را فراهم می آورد. در نتیجه هر دو ضرر طبق این حدیث شریف حرام می باشد. ماحصل مفاد این حدیث این است که هیچ کس در هیچ حالی حق ندارد در اموال و نه در امور مادی و معنوی به خود یا به دیگری ضرر و زیان رساند و این کار عمل حرام می باشد لذا استعمال و تولید این مواد از مصادیق ضرر به نفس و دیگری می باشد که به استناد حدیث لاضرر، ممنوع و تحریم شده است» (فرهنگ و معارف اسلامی، ص ۱۴۵۹).

دومین روایت: حدیث تحف العقول می باشد. «عن الصادق (ع): فَاَمَّا مَا يَحِلُّ وَيَجُوزُ لِلانسانِ اكله مما اخرجت الارض فثلاثة صنوفٍ من الاغذية: صنف منها جميع الحبّ كلّهُ من الحنطة و الشعير والارز و الحمص و غير ذلك من صنوف الحب و الصنوف السماسم و غيرها، كل شيء من الحب مما يكون غذاء الانسان في بدنه و قوته فحلال اكله و كل شيء يكون فيه المضرة على

الانسان فی بدنه ، فحرام أكله الآ فی حال الضرورة : والصفة الثاني ممّا اخرجت الارض من جميع صنوف الثمار كلها مما يكون فيه غذاء الانسان و منفعة له و قوته به حلال اكله و ما كان فيه المضرة على الانسان فی أكله فحرام اكله ،

والصفة الثالث : جميع الصنوف البقول و النبات و كل شی تنبت الارض من البقول كلها ممّا فيه منافع الانسان و غذاءً له ، فحلال أكله و ما كان من صنوف البقول ممّا فيه المضرة على الانسان فی أكله نظیر بقول السموم القاتلة و نظیر الدفلا و غیر ذلك من صنوف السم القاتل فحرام اكله» (تحف العقول : ص ۳۳۷) .

« از امام صادق (ع) نقل شده است : آنچه بر انسان حلال است بخورد از چیزهایی که از زمین می روید، سه گونه است :

۱- دانه های نباتی مثل گندم ، جو ، برنج ، نخود و انواع دیگر حبوبات و اقسام کنجد و ... ، خلاصه هر دانه ای از زمین می روید و برای بدن انسان، قوت و غذا می باشد ، خوردن همه اینها حلال است و آنچه برای بدن ضرر داشته باشد، خوردنش حرام است مگر در حال ضرورت .

۲- همه اقسام میوه ها که در تغذیه بدن انسان لازم است و برای بدن سودمند می باشد خوردنش حلال است و در صورتی که هر کدام زیان داشته باشد ، خوردنش حرام است .

۳- سبزی ها و گیاهانی که به حال بدن انسان مفید باشد ، خوردن آنها حلال است . آنهایی که مانند گیاهان سمی ضرر داشته باشد ، خوردنش حرام است» .

« امام (ع) در این حدیث، خوردنی ها را به سه دسته تقسیم کرده است و احکام هر دسته را بیان فرموده اند :

۱- در دسته اول " کل شی تکنون فیة المضرة ... فحراماً اكله " . " کل شی ء " عام است و " فیة المضرة ... " قید برای آن ، در نتیجه معنا چنین می شود: هر چیزی که مضر باشد حرام است .

۲- در دسته دوم " و ما كان فیة المضرة ... اكله حرام " . کلمه " ما " ظهور لفظی در عموم دارد و شامل هر چیزی که زیانبار است می شود اما در این قسم ، موضوع از همان ابتدا مقید به اکل شده و حکم حرمت بر شیء مضر حمل شده که مقید به خوردن باشد ، لذا این فقره از حدیث سعی در بیان یک ضابطه کلی در مأكولات دارد و آن اینکه هر نوع خوردنی زیانباری حرام است .

۳- در دسته سوم : در خصوص سبزیجات ؛ سبزیجاتی که در آن منافع است ، حلال و سبزیجاتی که سمی و کشنده است حرام می باشد . نتیجه اینکه : موضوع این حدیث شریف مأكولات می باشد لکن چنین استنباط می شود که ملاک و معیار در تحریم آنها ، ضرر داشتن و مضر بودن آنهاست و حکم دائر مدار ضرر و زیان است و قید اکل نیز از باب ذکر مصداق می باشد و نیز از مجموع حدیث یک ضابطه کلی به دست می آید که هر چیزی که برای بدن مضر باشد حرام است « (ستاد مبارزه با مواد مخدر ، ۱۳۷۴ ، صص ۹۰-۸۹) .



سومین روایت از امام صادق (ع) می باشد که: «قال (ع) : العامل بالظلم والمعین له والراضی به شرکاء ثلاثهم» (مستدرک الوسائل : ج ۵ ، ص ۱۶۷).

« میادرت کننده به ظلم و کسی که به او کمک می کند و رضایت دهنده به عمل او هر سه در گناه ظلم شریک هستند ». استعمال مواد مخدر و قاچاق این مواد که زمینه ساز از بین بردن جوانان ، خانواده ها ، به فساد کشیدن دختران و در کل باعث از بین رفتن جامعه بشری می شود. فرد معتاد ، مصالح اجتماعی را به خطر می اندازد. اعتیاد جزء کارهای پلیدی می باشد که معتاد را از یاد و نام خدا دور می کند و حتی مردان و زنان معتاد، دست به کارهای خلاف شرع می زنند تا بتوانند حداقل پول مورد نیاز مصرفی خود را به دست آورند. اعتیاد پرده سیاهی است که فرد معتاد روی چشم زده است و جز هوسهای شیطانی چیز دیگری را نمی بیند. با توجه به مطالب فوق ، قطعاً منحرف کردن جوانان و افراد جامعه و به فساد و تباهی کشاندن سرمایه و نیروی فعال و به خطر انداختن مصالح جامعه به وسیله اعتیاد، ظلم در حق جامعه محسوب و این گونه رفتار پلید و زشت مورد مذمت شریعت قرار می گیرد زیرا سبب دور کردن انسان از ارزشهای دینی و اعتقادی و از مصادیق بارز ظلم محسوب می شود. پس به استناد این روایت هر فردی چه به عنوان دلال و حمل کننده و چه به عنوان استفاده کننده در این عمل غیر انسانی ، شریک بوده و باید مجازات شوند. این مطلب در قوانین موضوعه بشری نیز رعایت می شود چه رسد به احکام و دستورات دینی که برای خون ، عرض ، جان و مال افراد، ارزش فوق العاده ای قایل است» (گناهان کبیره : ج ۱ ، صص ۱۱۲-۱۱۱).

روایات دیگری از پیامبر اکرم (ص) :

چهارمین روایت : « تسلّموا علی الیهود و النصارى و لا سلموا علی اکل البنج » (نوری، ۱۳۱۸ ، حق، ج ۳ ، ص ۱۴۵) « پیامبر (ص) می فرماید : « به یهود و مسیحیان ، سلام کنید ولی به کسی که بنگ می خورد سلام نکنید ».

پنجمین روایت : « إنّه قال : سیأتی زمان علی امتی یا کلون اشیاء اسمه البنج انا بری ء منهم و هم بریئون منی (همان) .

« زمانی بر امت من خواهد آمد که امت من چیزی می خورند که اسمش بنگ است من از آنها بیزارم و آنها از من بیزار می باشند » .

ششمین روایت : « من احتقر ذنب البنج فقد کفر » (همان) .

« کسی که گناه بنگ را حقیر و کوچک بشمرد به تحقیق کافر است » .

هفتمین روایت : « من اکل البنج فکأنّما هدم الکعبه سبعین مرّة و کأنّ قتل سبعین ملکاً مقرباً و کأنّ قتل سبعین نبیاً مرسلأ و کأنّما احرق سبعین مصحفاً و کأنّما رمی الله سبعین حجراً و هو ابعدها »

من رحمة الله من شارب الخمر و آكل الربا و الزانی و التّمَام « (همان ، ج ۱۷ ، ص ۸۶).
 « کسی که بنگ بخورد گناه او همانند کسی است که خانه کعبه را هفتاد مرتبه خراب کرده
 باشد . یا اینکه هفتاد ملک مقرب را به قتل رسانده باشد یا اینکه هفتاد نبی مرسل را کشته باشد یا
 اینکه هفتاد قرآن را سوزانده باشد و به سوی خدا ، هفتاد سنگ پرتاب کرده باشد و او دورتر است
 از رحمت خداوند از کسی که خمر نوشیده و یا ربا گرفته و یا زنا کار یا سخن چین می‌باشد» .

بخش سوم : دیدگاه عقل :

از مهم ترین ادله قایلین به عدم جواز اضرار به نفس و وجوب دفع مضرات از خویش ، تمسک به
 حکم عقل است . تمسک به دلیل عقلی برای استنباط حکم فقهی اضرار به نفس از نظر منطقی
 ترکیب یافته از صغری و کبرایی است که در صورت پذیرش این دوقضیه؛ فتوای به عدم جواز
 اضرار به نفس بی اشکال خواهد بود . صغرای این قیاس را قانون « وجوب دفع المضارّ عن النفس
 عقلاً » تشکیل می دهد و کبرای آن رانیز قاعده ملازمه حکم عقل و شرع یعنی « کلّ ما حکم به
 العقل ، حکم به الشرع » به خود اختصاص می دهد .

قانون « وجوب دفع المضارّ عن النفس عقلاً »:

عالمان علم کلام و اصول درباره این قانون عقلانی، مباحث زیادی را مطرح کرده اند . حاصل
 اینکه: « در واقع نه تنها عقل، ضررهای متیقن و حتمی را لازم الاجتناب می شمرد ، بلکه در مورد
 ضرر احتمالی و غیر حتمی نیز چنین فرمانی را از خویش صادر می کند و انسان را وادار به اجتناب
 از آن می نماید » (شرح باب حادی عشر : صص ۷۷-۷۵).

قانون « کلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع »:

« قانون ملازمه حکم عقل و شرع از قوانینی است که در میان اصولیان، مورد بحث و بررسی
 مفصلی قرار گرفته است . در مواردی که عقل حکم قطعی و تردید ناپذیر درباره حسن و قبح
 عمل صادر نماید . در این صورت حکم شرعی مطابق با این حکم عقلی نیز قابل استنباط است ،
 لیکن مشروط بر اینکه عقل به طور قطع به مصلحت لازم الاستیفا یا مفسده لازم الاحتراز رسیده
 باشد » (تفسیر نمونه : ج ۲۰ ، ص ۲۳۰).

بخش چهارم : از دیدگاه فقها :

گفتار اول مواد مخدر در ابواب و فصول فقهی :

گر چه ممکن است در هر یک از ابواب و فصول فقه اسلام به تناسب فقهی از حکم برخی مواد
 مخدر سخن به میان آورده باشند ، اما عمده ابواب و فصولی که فقها، مبحث مواد مخدر را در آنها
 مطرح نموده اند ، بدین شرح می باشد :

۱- باب طهارت ، فصل ماء بئر (آب چاه) (کرکی، ۱۴۱۱ هـ ق ، ج ۱ ، ص ۱۶۱).

۲- باب نجاسات ، فصل خمر یا مسکرات (المسبوط : ج ۱ ، ص ۱۲۸).



۳- باب صلوة ، فصل قضاء صلوة (همان ، ج ۵ ، ص ۵۲).

۴- باب بیع ، فصل خرید و فروش اشیای تحریم شده مثل مسکرات (قواعد الاحکام : ج ۲ ، ص ۱۵۷).

۵- باب اجاره ، فصل اجاره دکان یا وسایل جهت نگهداری و یا ساخت خمر و اشیای نجس یا حرام (بحارالانوار : ج ۵۱ ، ص ۱۸۱).

۶- باب طلاق ، فصل طلاق آکل حشیش یا بنگ ، مَبْنَج یا ساقی المرقد (خلاف : ج ۲ ، ص ۴۵۴).

۷- باب اطعمه مَحْرَمه ، فصل خوردن سموم و اشیای مضر (قواعد الاحکام : ج ۲ ، ص ۱۵۷).

۸- باب اشربة مَحْرَمه ، فصل نوشیدن شراب و سایر مسکرات ، تداوی به مسکرات (ایضاح الفوائد : ج ۴ ، ص ۱۵۹).

۹- باب حدود ، فصل حدّ شرب خمر ، حدّ محارب ، تعزیرات .

۱۰- باب قصاص .

۱۱- باب دیات ، فصل جنایت بر نفس یا غیر .

گفتار دوم - کلام فقها درباره مواد مخدر در متون فقهی :

الف : متون عربی :

از آنجا که در ضرورت استنباط و بیان احکام الهی به ویژه در زمینه این مواد خانمان سوز، شکی وجود ندارد، طرح کلام گهر بار این بزرگواران خود می تواند مثمر ثمر باشد. در این بخش، آرای فقها در متون عربی به همراه ترجمه آنها، تنظیم و ارائه می شود.

- محمد بن النعمان «الشیخ المفید» (متوفی ۴۱۳ ه. ق.)

«و من بَنَج غیره ، أو أسکر بشی ء احتال علیه فی شربه منه أو أکله ، ثم أخذ ماله ، عوقب علی ذلك بما یراه الامام من التعزیر و استرجع منه ما أخذ لصاحبه ، فان جنی البنج علی الانسان أو المسکر من الشراب جنایة ، لزمه أرشها بحسب ما یرجب فیها ؛ لنقصان الجسم أو العقل أو الحواس (المقنعه : ج ۱ ، ص ۸۰۵).

«کسی که دیگری را بنگ بخوراند یا در نوشیدن یا خوردن چیزی که او را مست کند فریب دهد، سپس اموال او را بگیرد، بنا به دستور امام تعزیر می شود و اموال صاحب مال به او بازگردانده می شود و اگر به واسطه خوردن بنگ یا چیز مست کننده، جنایتی پدید آید جبران خسارتش به خاطر نقصان جسم یا عقل و یا حواس واجب است».

- ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی (متوفی ۴۶۰ ه. ق.):

«مسأله ۴۶: اذا زال عقله ، بشرب البنج و الأشیاء المرقدة و المجنة ، لا يقع طلاقه و به قال أبوحنیفه و قال الشافعی : إن کان شربه للتداوی فزال عقله لا يقع طلاقه و إن شربه للعب و غیر

الحاجة وقع طلاقه .

«اگر کسی با کاربرد بنگ و چیزهایی که خواب آور و جنون آور است عقلش زایل شود ، طلاقش صحیح نیست و واقع نمی شود . ابو حنیفه به این مطلب قایل است . شافعی در این باره می گوید اگر نوشیدن مواد مذکور برای درمان باشد و در نتیجه آن ، عقلش زائل شود در این صورت طلاقش صحیح نیست و اما در صورتی که برای لذت و تفریح و بدون نیاز استعمال کند ، طلاقش صحیح واقع می شود» (النهایه : ج ۱ ، ص ۷۲۱).

- محقق حلی (متوفی ۵۶۷۹ هـ. ق):

«القسم الرابع: فی الجامدات و لا حصر للمحلل فلنضبط المحرم: الخامس: السموم القاتلة قليلا وكثيرها .

أما ما لا يقتل القليل منها، كالأفيون والسقمونيا في تناول القيراط والقيراطيين إلى ربع الدينار، في جملة حوائج المسهل، فهذا لا بأس به لغلبة الظن بالسلامة (شرايع الاسلام: ج ۳، ص ۱۷۶).
«در مورد جامدات: جامدات حلال محدود نیست ولی حرام را می توانیم ثبت و ضبط کنیم . پنجمین مورد از جامدات حرام، زهرها و سمومی است که چه کم و چه زیادش کشنده هستند، اما آنهایی که مقدار کم آنها کشنده نیست ، مثل افیون و سقمونیا که تناول آنها به مقدار یک قیراط و یا دو قیراط تا ربع (یک چهارم دینار) که در روان سازی شکم مورد نیاز است و به واسطه ظن به سلامت و بهبودی، استعمالش اشکالی ندارد» .

- حسن بن یوسف بن علی الحلی «علامه حلی» (متوفی ۷۲۶ هـ. ق):

«و يحرم بيع الترياق لاشتماله على الخمر و لحم الأفاعى و لا يجوز شربه للتداوى إلا مع خوف التلف . أما السم من الحشائش و النبات فيجوز بيعه إن كان ممّا ينتفع به و الآ فلا» (قواعد الاحكام، ج ۱، ص ۱۲۰).

«المقصد الخامس: فی الأطعمة والأشربة . و فيه فصلان: الأول: حالة الاختيار و فيه مطالب ... المطلوب الرابع: فی الجامدات و لنذكرها هنا أنواعاً خمسة ... الخامس: السموم القاتلة قليلا و كثيرها . و لا بأس باليسير ممّا لا يقتل قليلا ، كالأفيون و السقمونيا و شحم النظل و الشوكران ، إذا مزج بغيره من الحوائج و لا يجوز الاكثار منه كالمثقال» (همان ، ج ۲، ص ۱۵۷). «و الفصل الثاني: فی حالة الاضطرار و مطالبه ثلاثة ... المطلوب الثالث: فی جنس المستباح: كل ما لا يؤدّي الى قتل معصوم حلّ ، كالخمر لازالة العطش . و أمّا التداوى به فحرام ، ما لم يخف التلف ... و كل مسكر حرام، سواء لا يتنجس منها سوى المايح» (همان ، ص ۱۵۹).

«خرید و فروش تریاک به خاطر اینکه مشتمل بر خمری باشد حرام است و نیز گوشت مار این حکم را دارد و کاربرد آن برای مداوا جایز نیست ، مگر اینکه ترس تلف شدن باشد . اما سمی که از گیاهان و نباتات گرفته می شود خرید و فروش آن در صورت سودمند و قابل استفاده بودن جایز



است والا اگر سود قابل ملاحظه ای نداشته باشد خرید و فروشش جایز نیست».

«مقصود پنجم: از خوراکی ها نوشیدنی ها در دوفصل بحث می شود: اول: حالت اختیار که شامل مطالبی است ... مطلب چهارم: در مورد جامدات که پنج نوع قابل ذکر است ... نوع پنجم: سمومی که مقدار کم آنها کشنده نیست کاربرد آن اشکال ندارد، مثل افیون و سقمونیا و روغن شرنگ و شوکران در صورتی که با ترکیبات دیگر مخلوط و مزوج شود. کاربرد بیش از اندازه مثلاً یک مثقال جایز نیست» «حالت اضطرار و ضرورت دارای مطالبی است. از جمله اشیا یی که در حالت اضطرار مباح اند عبارتند از: هر چیزی که استعمالش منجر به قتل بی گناهی نشود حلال است مثل خمر که اگر برای رفع عطش استفاده شود. معالجه و درمان با خمر حرام است، مگر اینکه خوف تلف باشد. غیر از مسکرات مایع، بقیه نجس نیستند».

- ابو عبدالله محمد بن مکی «الشهید الاول» (متوفی ۷۸۶ ه. ق.):

«قوله: و فی السکران اشکال اقربه سقوط القود الی الیه علیہ و کذا المبتج نفسہ و شارب المرقد».

«ایشان می گوید: در مورد مست کننده ها نظریات و ایرادات مختلفی مطرح شده که نزدیکترین قول به قواعد این است که قصاص تبدیل به دیه شود. همچنین "کسی که بنگ مصرف کرده" و "کسی که داروی خواب آور مصرف کرده" این حکم را دارد».

- زین الدین بن علی العاملی «الشهید الثانی» (متوفی ۹۶۶ ه. ق.):

«والتاسع: المسکر المایع بالاصالة کالخمر و النبیذ و علی نجاسته إجماع الامامیة الا من شدّ. و احترزنا بالمایع عن نحو الحشیشة و بالاصالة عن المایع المجمد و الجامد الممّوع، فأنهما كأصلهما» (مسالك الافهام: ج ۱، ص ۲).

«علمای شیعه بر نجس بودن مسکری که در اصل «مایع» است مثل خمر و نبیذ، اجماع کرده اند مگر عده کمی. با قید مایع از چیزهایی مانند حشیش دوری می جوئیم و با قید «بالاصالة» از مایعی که جامد شده و یا جامدی که مایع شده احتراز می شود حکم این دو (مسکر مایع جامد شده و مسکر جامد مایع شده) حکم اصلشان است».

- شیخ مرتضی الانصاری (متوفی ۱۲۸۱ ه. ق.):

«السادس: الاستعماله بخواص الأدوية، مثل أن تجعل فی الطعام بعض الأدوية البلدة، أو المزيلة للعقل، أو الدخن المسکر، أو عصارة البنج المجعول فی المبلس و هذا ممّا لا سبیل الی إنکاره» (المکاسب، ج ۱، ص ۳۳).

«قسم ششم: استعمال داروهای تقویتی مثل اینکه کسی در طعام، بعضی از داروهای که موجب حیرت و سرگردانی یا زایل کننده عقل یا تنباکو ی مست کننده قرار دهد و یا لباس را به افشرد بنگ آغشته کند را نمی توان انکار کرد».

ب) متون فارسی :

- بهاء الدین محمد عاملی « شیخ بهایی » (متوفی ۱۰۳۱ ه. ق.):

«فصل چهارم: در بیان آنچه از حیوانات و غیر آنها حرام است... فصل بیست و سوم: زهرهای کشنده: اما چیزی که بسیار آن کشنده باشد و کم آن کشنده نباشد، بسیار خوردن آن حرام است چون تریاک و سقمونیا و تخم حنظل و مانند آنها» (شیخ بهایی، بی تا، ص ۴۳۱).

- سید حسین طباطبایی بروجردی (متوفی ۱۳۸۰ ه. ق.):

«مسأله ۱۱۲: شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود پاک است» (طباطبایی بروجردی، ص ۱۸).

- شهید مرتضی مطهری (متوفی ۱۴۰۰ ه. ق.):

«اگر فرض کنیم در موردی به خصوص از طریق نقل هیچ گونه حکم شرعی به ما ابلاغ نشده است، ولی عقل به طور یقین و جزم به حکمت خاصی در ردیف سایر حکمتها پی ببرد، کشف می کند که حکم شارع چیست. مثلاً در زمان شارع، تریاک و اعتیاد به آن وجود نداشته است و ما در ادله نقلیه، دلیل خاصی درباره تریاک نداریم، اما به دلایل حس تجربی زینها و مفاسد، اعتیاد به تریاک محرز شده است. پس ما در اینجا با عقل و علم خود به یک ملاک یعنی یک مفسده لازم الاحتراز در زمینه تریاک دست یافته ایم. ما به حکم اینکه می دانیم چیزی که برای بشر مضر است و مفسده داشته باشد از نظر شرع حرام است، حکم می کنیم که اعتیاد به تریاک حرام است» (مطهری، ص ۴۰).

برخی استفتائات از مراجع تقلید، پیرامون مواد مخدر

استفتائات منتشر شده از امام خمینی (ره):

«س ۱- کشیدن و خرید و فروش تریاک و کشت خشخاش چه صورتی دارد؟

ج- اعتیاد به تریاک جایز نیست و معتاد در صورت عدم لزوم ضرر باید آن را ترک کند و خرید و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست» (استفتائات: ج ۲، ص ۳۷، مسأله ۱۰۳).

«س ۲- تریاک که دارای منفعت عقلایی است و مصارف مشروعی نیز دارد ولی از جانب دولت اسلامی خرید و فروش و هرگونه نقل و انتقال آن در کشور ممنوع اعلام شده آیا خریدار و فروشنده، مالک عوض و معوض می شوند و نهی دولت اسلامی فقط جنبه تحریمی دارد و فساد معامله را همراه ندارد یا آنکه این نهی موجب فساد هم می شود که در این صورت فروشنده مالک عوض نشده و حاکم طبق احکام « مقبوض به عقد فاسد » عمل کند و گاهی به جهت مجهول بودن مالک ثمن آن را استرداد نماید؟ و همچنین در قاچاق تریاک که فی الجمله دارای منافع



مشروع است در چه حدی (افساد فی الارض) بر آن صدق می کند ؟
ج-۱) تخلف از منع دولت نباید بشود ولی حکم وضعی ندارد (۲) فساد در صورتی است که مواد مخدر پخش شود به طوری که موجب ابتلای بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با علم به این اثر» (همان ، ص ۳۶ ، مسأله ۱۰۲).

«س۳- فروش هروئین جایز است یا خیر ؟ و در صورت عدم جواز آیا فرقی است بین اینکه به هروئینی و معتاد بفروشد و بین اینکه به اشخاص غیر معتاد بفروشد یا خیر ؟
ج- جایز نیست و فرقی نمی کند» (همان ، ص ۳۷ ، مسأله ۹۷).

استفتائات منتشر شده از حضرت آیت الله اراکی (ره) :

«۱- استعمال تریاک و هروئین و مخدرات به طوری که موجب اعتیاد شخص بشود جایز است یا خیر ؟

ج- استعمال به نحو مذکور اضرار به نفس و حرام است و واجب است سعی در ترک اعتیاد مضر» (اراکی ، ص ۵۶۸).

«۲- افرادی که اقدام به پخش مواد مخدر می کنند به نحوی که چه بسا افراد منطقه وسیعی را مبتلا می کنند و جوانان را به فساد می کشند و یا فحشا و منکرات را رواج می دهند که چه بسا فساد و مضرات آن بالاتر از حمله نظامی است ، آیا می شود آنها را به عنوان " مفسد فی الارض " اعدام نمود و آیا عنوان " مفسد " را قطع نظر از محاربه مجوز اعدام می دانید ؟
ج- محل اشکال است ، بلکه ظاهر آن است که " و یسعون فی الارض فساداً " بیان باشد برای " الذین یحاربون الله " (همان ، ص ۴۹۸).

استفتائات از سایر مراجع :

«س۱- استعمال مواد مخدر از قبیل بنگ ، حشیش ، تریاک ، هروئین ، مرفین ، ماری جوانا و... به صورتهای گوناگون (خوردن ، آشامیدن ، دود کردن ، تزریق ، شیاف) چه حکمی دارد ؟
ج- حضرات آیات عظام :

- آقای محمد علی اراکی : استعمال به نحو مذکور اضرار به نفس است و حرام می باشد .

- آقای سید علی خامنه ای : ... هر نحو استعمال هر گونه مواد مخدر و استفاده از آن به ملاحظه مضرات معتنابهی فردی و اجتماعی که بر آن مترتب است شرعاً حرام است مگر در موارد استثنایی
- آقای محمد فاضل لنکرانی : جایز نیست .

- آقای ناصر مکارم شیرازی : به هر صورت حرام است .

- آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی : حرام است و جایز نیست (حمیسی : ۱۳۸۸ ، صص ۹۴-۹۸).

«س۲- آیا مصرف مواد مخدر در معالجات و درمان دردها مطلقاً اشکال ندارد و یا فقط در

صورت انحصار درمان به آنها؟

ج- حضرات آیات عظام :

- آقای محمد علی اراکی : در فرض ضرورت و انحصار علاج به آن حکم سایر ضرورت‌های دیگر را دارد .

- آقای سید علی خامنه ای : اگر به تجویز پزشک معالج متخصص امین باشد ، مانع ندارد .

- آقای محمد فاضل لنکرانی : برای معالجه و درمان مانع ندارد و اگر چه درمان انحصار به آنها نداشته باشد به شرط اینکه زمینه اعتیاد فراهم نشود .

- آقای ناصر مکارم شیرازی : در صورت انحصار مجاز است .

- آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی : در صورت انحصار با تجویز دکتر متخصص و اطمینان به تشخیص او» (همان ، صص ۱۰۲ - ۹۸) .

«س۳- زراعت و کشت و پرورش گیاهانی از قبیل خشخاش ، شاهدانه هندی ، کوکا ...و (که تریاک ، حشیش ، هروئین ، مرفین ، کوکائین از آنها گرفته می شود) چه حکمی دارد ؟

ج- حضرات آیات عظام :

- آقای محمد علی اراکی : طبق مقررات باید عمل نمایند .

- آقای سید علی خامنه ای : اگر برای استفاده های طبی حلال باشد ، مانع ندارد .

- آقای محمد فاضل لنکرانی : اگر به منظور استفاده صحیح درمان باشد مانعی ندارد .

- آقای ناصر مکارم شیرازی : اگر برای مصارف طبی و تحت کنترل باشد حلال و اگر برای مصارف محرّمه باشد حرام است .

- آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی : اگر مصرف منحصر به مواد مخدر باشد آن هم از طریق حرام ، حرام است و جایز نیست « (همان ، صص ۱۰۶-۱۰۲) .

«س۴- حکم خرید و فروش و یا هرنوع استفاده دیگر مثل حمل و نقل ، نگهداری و قاچاق مواد مخدر چیست ؟

ج- حضرات آیات عظام :

- آقای محمد علی اراکی : نباید چنین کارهایی مرتکب شود .

- آقای سید علی خامنه ای : اگر برای استفاده های مضرّت بخش و حرام باشد جایز نیست .

- آقای محمد فاضل لنکرانی : قاچاق مطلقاً جایز نیست و خرید و فروش به منظور فوق اشکال ندارد .

- آقای ناصر مکارم شیرازی : حرام است .

- آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی : عیناً حکم مسأله ۳ را دارد (همان ، صص ۱۰۹-۱۰۶) .



«س ۵- حکم زراعت ، خرید و فروش ، ساختن و درست کردن مواد مخدر به جهت کاربردهای پزشکی و درمانی چیست ؟

ج- حضرات آیات عظام :

- آقای محمد علی اراکی : طبق مقررات باید عمل کنند .

- آقای سید علی خامنه ای : اگر برای فقط استفاده دارویی و درمانی باشد و یا برای سایر استفاده‌های مشروع اشکال ندارد .

- آقای محمد فاضل لنکرانی : حکم این مسأله از مسائل سابقه روشن شد .

- آقای ناصر مکارم شیرازی : با شرایطی که ذکر شد مجاز است .

- آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی : در صورتی که منافعی قطعی باشد و چیز دیگری کاربرد او را نداشته باشد و تحت کنترل شدید باشد و سوء استفاده از عنوان او نشود به مقدار رفع نیاز اشکالی ندارد» (همان ، صص ۱۱۷-۱۱۳) .

بحث و نتیجه گیری نهایی :

در این نوشتار، آیات ، روایات ، ادله عقلی و نظریات فقها در کتب فقهی از شیخ مفید تا زمان کنونی را در ارتباط با مواد مخدر به طور کاملاً مستند با استفاده از تفاسیر ، کتب حدیثی و فقهی متعدد ذکر کردیم . در برخی از این منابع ، احکام به صورت کلی بیان شده و برخی از مقررات نیز به طور خاص تبیین شده و احکام آنها نیز ذکر شده است . بر این اساس ، در مقاله حاضر سعی شده به دور از هرگونه استنباط و اظهار نظر شخصی و با استفاده از منابع فقه اسلام و صرفاً با استناد به این منابع و نقل اقوال فقهای عظام ، ضمن اشاره به احکام مواد مخدر ، گامی هر چند کوچک در جهت پاسخ به پرسشهای ذیل برداشته شود :

۱- آیا مواد مخدر از مسکرات می باشد ؟

۲- آیا مواد مخدر جزء اعیان نجسه است ؟

۳- حکم مصرف مواد مخدر چیست ؟

۴- ضابطه حرمت مواد مخدر چیست ؟

۵- حکم خرید و فروش مواد مخدر و مجازات فرد اعطا کننده این مواد چیست ؟

جواب سؤال اول : فقها در این باره که مواد مخدر از مسکرات باشد یعنی مصرف مواد مخدر (تریاک ، حشیش و ...) همانند شراب زایل کننده هوش و عقل انسان باشد به عبارت دیگر شخص معتاد پس از مصرف مست می شود به طور مشهودی با هم اختلاف نظر دارند . عده ای مانند شیخ طوسی (ره) و شهید اول (ره) مست کننده می دانند و برخی دیگر مست کننده نمی دانند مانند آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی .

جواب سؤال دوم : فقها در این فقره ، تفصیلاتی قایل شده اند ولی در نهایت به عدم نجاست مواد

مخدر حکم داده اند و نجاست طبق نظر ایشان به مسکر مایع اختصاص دارد. شهید ثانی (ره) در این مورد ادعای اجماع کرده است.

جواب سؤال سوم: آنچه انسان آنها را مصرف می کند اگر به بدن ضرری نرساند مباح است اما اگر مصرف آن موجب هلاکت انسان شود قطعاً حرام است.

جواب سؤال چهارم: در اینکه مواد مخدر به بدن انسان ضرر وارد می کند، اشتراک نظر وجود دارد و درباره ضابطه حکم حرمت، فقها معتقدند حرمت استعمال از باب اضرار به نفس می باشد البته برخی از فقها میان ضرر وارده جزئی (نقص عضو) و کلی (مرگ) تفصیل قایل شده اند.

جواب سؤال پنجم: فقها حکم به حرمت خرید، فروش مواد مخدر داده اند اما سمهایی که از گیاهان به دست می آید در صورتی که مفید به منفعتی مانند مداوا باشد و ترس از تلف در صورت عدم مداوا با آن وجود داشته باشد خرید و فروششان جایز است والا خیر. در مورد مجازات فردی که شخص دیگری را بنگ می دهد و شخص مصرف کننده مرتکب جرم یا اتلافی شود، فقها حکم به ضامن قرار دادن بنگ دهنده داده اند چون در اینجا سبب اقوای از مباشر است. سبب، ضامن جبران خسارت است و هر دو مباشر و مسبب بنابر تشخیص و نظر حاکم تعزیر می شوند.

پیشنهادها:

۱- برگزاری جلسات مباحثه و همایشهای علمی با نخبگان انتظامی، علمای حوزه و علمای پزشکی و روان شناسی برای تبیین مواد مخدر جدید و بررسی آنها از نقطه نظر انتظامی، فقهی، حقوقی و پزشکی و ایجاد وحدت رویه در برخورد با معتادان.

۲- فرهنگ سازی و بیان احکام و نظریات فقهی در خصوص اضرار به نفس در میان مردم و به ویژه جوانان و نوجوانان در مدارس و دانشگاه ها با اختصاص مطالبی در کتب درسی و رسانه های جمعی.

۳- تدوین منشور اجرایی مبارزه با مواد مخدر با تعریف شرح وظایف مجزا برای هر نهاد و تقویت اهرم نظارت بر حسن انجام وظیفه.

۴- تغییر نگرش در مجازاتهای در نظر گرفته شده و چگونگی اعمال آن به نحوی که از یکسو آثار بازدارندگی مناسبی به همراه داشته باشد و از طرف دیگر تناسب جرم و مجازات در آن رعایت شود.

۵- ایجاد بستری مناسب برای تعامل هر چه بیشتر دستگاه های اجرایی ذی ربط و رفع خلاءهای قانونی موجود و پیگیری های لازم تا حصول به هدف نهایی.

۶- تقویت راهکارهای نظارت و کنترل مستمر نقاط صعب العبور مرزی برای جلوگیری از ترانزیت مواد مخدر به داخل و خارج کشور و کشف و امحای هر چه بیشتر آن.

۷- کنترل ناهنجاریهای گوناگون اجتماعی که منجر به پناهندگی به اعتیاد می شود.



- ۸- انجام مطالعات و تحقیقات عمیق تر و جامع تر فقهی پیرامون مواد مخدر، از طریق جمع‌آوری و بررسی کلیه مطالب مندرج در منابع تفسیری و روایی و اقوال علمای قدیم و جدید .
- ۹- بررسی تفصیلی ماهیت، فواید و مضرات مواد مخدر در تمامی انواع و اقسام آن و استفتاء از فقهای معاصر درباره حکم شرعی استفاده از آنها .

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم .
- ۲- انصاری ، مرتضی : «مکاسب» ، ج ۱ ، تبریز ، مکتبه الاطلاعات ، ۱۳۵۷ .
- ۳- حلی (علامه) ، حسن بن یوسف : «تذکره الفقها» ، ج ۱ ، تهران ، مکتبه المرتضویه ، ۱۳۸۸ هـ.ق .
- ۴- حلی (علامه) ، حسن بن یوسف : «قواعد الاحکام» ، قم ، منشورات الرضی ، ۱۳۸۹ . ه.ق .
- ۵- حلی (محقق حلی) ، جعفر بن حسن : «شرايع الاسلام في المسائل الحلال و الحرام» ، ج ۱ ، تهران ، مکتبه الاستقلال ، ۱۳۷۳ هـ.ق .
- ۶- خمینی (امام) ، روح الله : «توضیح المسائل» ، تهران ، مکتبه الاعتماد ، ۱۴۰۴ هـ.ق .
- ۷- خوبی ، ابوالقاسم : «توضیح المسائل» ، نجف ، مطبوعه الاداب ، بی تا .
- ۸- زين الدين علي عاملي (شهيد ثانی) ، محمد : «مسالك الافهام» ، ج ۱ ، بيروت مؤسسه العلمی المطبوعات ، بی تا .
- ۹- ستاد مبارزه با مواد مخدر : «اضرار به نفس» ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۴ .
- ۱۰- ستاد مبارزه با مواد مخدر : «بررسی مواد مخدر در متون اسلامی» ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی ، بی تا .
- ۱۱- طباطبائی ، سید محمد حسین : «تفسیر المیزان» ، ج ۴ ، تهران ، نشر دارالکتب اسلامیة ، ۱۴۰۲ هـ.ق .
- ۱۲- طبرسی ، علی : «تفسیر مجمع البیان» ، ج ۸ ، بیروت ، دارالاحیاء التراث العربی ، ۵۴۸ هـ.ق .
- ۱۳- طوسی (شیخ الطائفة) ، محمد بن حسن : «مبسوط فی الفقه الامامیه» ، ج ۲ ، تهران ، المکتبه المرتضویه ، بی تا .
- ۱۴- طوسی (شیخ الطائفة) ، محمد بن حسن : «خلاف» ، ج ۲ ، قم ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، بی تا .
- ۱۵- طوسی (شیخ الطائفة) ، محمد بن حسن : «النهايه» ، ج ۲ ، قم ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۳۵۱ .
- ۱۶- طوسی (شیخ الطائفة) ، محمد بن حسن : «تهذیب الاحکام» ، ج ۲ ، تهران ، المکتبه المرتضویه ، ۱۴۰۱ هـ.ق .
- ۱۷- قرائتی ، محسن : «تفسیر نور» ، تهران ، مؤسسه راه حق ، ۱۳۷۶ .
- ۱۸- کرکی (محقق) علی ، «جامع المقاصد فی شرح القواعد» ، قم ، مؤسسه آل البيت ، ۱۴۱۱ هـ.ق .
- ۱۹- مجلسی ، محمد باقر : «بحار الانوار» ، جلدهای ۶۲ ، ۲۲ ، ۱ ، بیروت ، مؤسسه الوفاء ، ۱۴۰۳ هـ.ق .



- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر: «تفسیر نمونه»، جلدهای ۴ و ۲۴، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
- ۲۱- مفید (شیخ)، محمد بن نعمان: «المقنعة»، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۲۲- موسوی بجنوردی، سید محمد حسن: «القواعد الفقهية»، ج ۱، تهران، نشر الیهادی، ۱۳۵۹ ه. ق.
- ۲۳- نجفی، محمد حسن: «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، ج ۲، نجف اشرف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- ۲۴- نوری، میرزا حسن: «مستدرک الوسائل»، تهران، بی جا، ۱۳۱۸ ه. ق.
- ۲۵- عاملی، ابراهیم: «تفسیر عاملی» ج ۱، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ ه. ش.
- ۲۶- ابن شعبه حرانی «تحف العقول» بی تا، قم، دفتر نشر اسلامی.
- ۲۷- حلی (علامه) حسن بن یوسف: «ایضاح الفوائد فی شرح القواعد»، ج ۴، مطبعة العلمية، ۱۳۸۹ ه. ق.